

بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران

قاسم میسایبی^۱ - فائز دین‌پرست^۲ - عباس تقی‌پور^۳

دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۰

چکیده

موضوع این نوشتار بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. است. ضمن این که توسعه؛ یک مفهوم کلی و تقسیم‌ناپذیر است. در این جا صرفاً در مقام تحقیق به بررسی جداگانه بعد سیاسی آن پرداخته می‌شود. بدین منظور با توجه به نظریات موجود، مفهوم توسعه سیاسی شاخص‌سازی می‌شود و به سوال ذیل پرداخته می‌شود: توسعه سیاسی چه جایگاهی در برنامه‌های پنج‌ساله سوم، چهارم، پنجم و ششم داشته است؟ به منظور پاسخ‌گویی به این پرسش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است و بندهای برنامه‌های توسعه به عنوان واحدهای زمینه انتخاب شده‌اند. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که توسعه سیاسی در سه برنامه توسعه ج.ا.ا. مورد توجه بوده است. ولی میزان این توجه در هر یک از برنامه‌های سه‌گانه متفاوت است. این میزان توجه در برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم نیز به ترتیب شامل ۳۱ درصد، ۵۰ درصد، ۲۹ درصد و ۴۳ درصد است. طبق آمار به دست آمده میزان توجه به توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه، حرکتی افزایشی داشته، با این استثنا که این توجه در برنامه پنجم و ششم نسبت به دو برنامه دیگر کاهش پیدا کرده است.

واژگان کلیدی: برنامه‌های توسعه، ایران، توسعه سیاسی، تحلیل محتوا

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

ghmisaei@yahoo.com

dinparast@atu.ac.ir

abas.taghipoor68@gmail.com

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

۳. دانشجوی دکتری علوم اجتماعی دانشگاه تهران

مقدمه

مفهوم توسعه^۱ از مفاهیم مهم زمان ما است، به طوری که کشورهای دنیا و اجتماعات بشری را بر اساس آن طبقه‌بندی می‌کنند. مثلاً کشورها را به توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته طبقه‌بندی می‌کنند (پناهی، ۱۳۹۳: ۲). این مفهوم به ویژه برای نخبگان فکری کشورهای جهان سوم از اولویت و اهمیت مضاعفی برخوردار است؛ چرا که در این گونه کشورها، فرایند توسعه و توسعه نیافتگی، چالش اصلی جامعه را تشکیل می‌دهد و همه وقایع و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود، خواه ناخواه تحت تأثیر آن قرار دارند (Gill, 2000). ریشه و پایه مفهوم توسعه به علم اقتصاد بازمی‌گردد (فلاح زاده، ۱۳۹۱: ۳۵) و در سال‌های اولیه پس از جنگ جهانی دوم این مفهوم را مترادف رشد و در همان معنای صرف اقتصادی به کار می‌بردند (باقری ده‌آبادی، ۱۳۹۲: ۲۰۰). به زودی روشن شد که یکسان انگاشتن توسعه با رشد اقتصادی درست نیست. بنابراین هم صاحب‌نظران و هم برنامه‌ریزان تلاش کردند تعریف جامع‌تری از توسعه ارائه دهند. بر این اساس، مشخصاتی نظیر کاهش فقر و نابرابری نیز در مفهوم توسعه گنجانده شد و توسعه به معنای «بهبود زندگی اجتماعی» در نظر گرفته شد. مثلاً دادلی سیرز^۲ معتقد است برای اثبات توسعه در یک کشور باید توجه کرد که در کنار افزایش درآمد سرانه، آیا فقر، بیکاری و نابرابری در آن کشور تغییراتی کرده است؟ اما این رهیافت اجتماعی ایده‌نالیستی از توسعه نیز فقط توانست در تعاریف و مباحث نظری توسعه، بازتاب یابد و در عمل با دهه‌های قبل چندان تفاوتی نداشت. با گذشت زمان دیدگاه نسبت به توسعه نیز تکامل یافت و دیدگاه‌های یک‌جانبه و تک بعدی جای خود را به دیدگاهی همه‌جانبه که شامل همه ابعاد مختلف زندگی اجتماعی می‌شد، دادند. بر همین اساس تعاریف جامع‌تری نیز از توسعه ارائه شد که انواع مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی روانشناختی نیز در آن‌ها گنجانده شده است. مثلاً مایکل تودارو توسعه را جریانی چند بعدی می‌داند و معتقد است زمانی می‌توان مدعی وقوع توسعه در یک کشور شد که «مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل آن کشور از حالت نامطلوب خارج شده و به سوی وضعیتی "بهبتر" - از نظر مادی و معنوی - تغییر کند (ساعی، ۱۳۸۸: ۲۰-۱۸).

1. Development
2. Dadly Seers

از مهم‌ترین مسائلی که در ادبیات توسعه و پیرو آن در برنامه‌های توسعه مطرح می‌شود، نسبت بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی است. در دیدگاه همه جانبه به توسعه، بر ارتباط متقابل سیاست و اقتصاد تأکید شده است. اندیشمندان بسیاری بر پیوند میان توسعه سیاسی و اقتصادی تأکید کرده‌اند و شواهد تجربی و تاریخی نیز بر این امر صحه گذارده‌اند. بازسازی و توسعه اقتصادی جزئی از یک مجموعه وسیع‌تر است. بحث توسعه تنها در ارتباط با مقوله‌ها و متغیرهای اقتصادی نیست، بلکه ارتباط مهمی با توسعه سیاسی، دمکراتیزاسیون و وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی یک جامعه دارد. ناکامی بسیاری از برنامه‌های توسعه و آشکار شدن نارسایی سیاست‌ها و فرایندهای پیشین نسبت به توسعه و گسترش مسائل حاکی از لزوم تلفیق جوانب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با یکدیگر است. همچنین روشن شدن ملازمت رشد سریع با نابرابری فزاینده در برخی از کشورهای جهان ضرورت چنین بازاندیشی درباره مفاهیم توسعه را فراهم کرده و اولویت دادن به مؤلفه‌های مردم سالاری، توسعه سیاسی و حکومت‌داری شایسته در برنامه‌های توسعه را ضروری ساخته است، چندان که کشورها و سازمان‌های معتبر بین‌المللی به این مؤلفه‌ها دیگر به چشم پدیده‌های صوری و نمایشی نگاه نمی‌کنند و حتی آن را مقدم بر برنامه‌های عمرانی سنتی مانند ایجاد سد، آبرسانی، آموزش و پرورش و... محسوب می‌کنند (سن، ۱۳۸۱: ۷۵-۸۰). بر این اساس، پیش نیاز توسعه، لزوم انجام تغییرات بنیادین در ساختارهای سیاسی و اداری است (ترنر و هیوم، ۱۳۷۹: ۳۰۴). اکنون نه تنها بر توسعه همگون تأکید می‌شود بلکه از نظر اندیشمندان سیاسی، توسعه تک بعدی اقتصادی بدون توسعه بعد سیاسی خود منجر به تحولات ضد توسعه‌ای در کشور می‌شود، این اتفاق در برهه‌های زمانی مختلف نیز در برنامه‌های توسعه رخ داده است. بر این اساس است که توسعه‌های اقتصادی مقطعی در زمان‌های مختلف راهگشا نبوده و با برگشت به وضعیت قبل توسعه همراه است (Huntington, 1988: 52). نکته اصلی این جاست که توسعه اقتصادی برای به ثمر نشستن مستلزم وجود ساختار سیاسی و اجتماعی توسعه یافته است که اجازه اقدامات متناسب را به آن بدهد. البته معلوم است که توسعه اقتصادی در سیستم سیاسی و اقتصادی که در آن فساد اداری و سیاسی وجود دارد و در آن منافع فردی و جناحی بر منافع ملی غلبه دارد، راه به جایی نخواهد برد.

جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌های توسعه خود را به صورت پنج ساله و در افق چشم‌انداز بیست ساله ۱۴۰۴ به پیش می‌برد. در چشم‌انداز بیست ساله بیان شده است که در پایان چشم‌انداز

«ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل» در ادامه سند چشم‌انداز به ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز می‌پردازد. این ویژگی‌ها که در هشت بند تنظیم شده‌اند، شامل ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. ویژگی‌های سیاسی در این بندهای هشت‌گانه جایگاه ویژه‌ای دارند، به گونه‌ای که از مجموع این هشت بند، هفت بند آن به طور صریح به ویژگی‌های سیاسی جامعه در افق چشم‌انداز می‌پردازد. از جمله ویژگی‌های سیاسی که در سند چشم‌انداز به آنها اشاره شده، می‌توان به «تأکید بر مردم‌سالاری دینی؛ اتکا بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی؛ فرصت‌های برابر به دور از فقر و تبعیض، برخوردار از وجدان کاری و مفتخر به ایرانی بودن؛ الهام بخش، فعال و موثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی» اشاره کرد (سند چشم‌انداز). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر مردم‌سالاری دینی تأکید شده است و برای آن جایگاه ویژه‌ای قائل شده است که این توجه ویژه را می‌توان از انتخابی بودن نهادهای مهم مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری و نهادهای مهم دیگر فهمید.

بر این اساس توجه ویژه قوانین فرادستی بر مردم‌سالاری دینی محرز و تأیید شده است. آن چیزی که در این جا مهم است، نحوه جامه عمل پوشیدن و عملیاتی کردن مولفه‌های مردم‌سالاری دینی مدنظر در قوانین فرادستی است. یکی از مهم‌ترین برنامه‌های میان‌مدتی که در راستای قوانین فرادستی و سند چشم‌انداز طراحی می‌شود، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه است. این برنامه‌ها شامل برنامه‌ریزی‌های پنج‌ساله در افق سند چشم‌انداز است. برنامه‌های مذکور به لحاظ این که برش‌هایی کوتاه از سند چشم‌انداز هستند و این که برنامه‌ای برای عملیاتی کردن آن محسوب می‌شوند، اهمیت ویژه‌ای دارد. به طبع همین برنامه‌های توسعه است که درصدد رهنمون کردن ما به سمت جامعه و کشور ترسیم شده در سند چشم‌انداز هستند. با توجه به این موارد است که بررسی کارشناسانه برنامه‌های توسعه به عنوان مهم‌ترین سند توسعه ج.ا.ا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این پژوهش با توجه به تأکید ویژه سند چشم‌انداز بر توسعه سیاسی، به بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه ج.ا.ا می‌پردازیم. لحاظ کردن برنامه سوم (با وجود این که در دوره زمانی سند چشم‌انداز نمی‌گنجد)

بدین دلیل است که برنامه مذکور توسط دولت اصلاحات تدوین شده است و توجه به توسعه سیاسی مورد اهتمام جدی آن دولت بوده است. بر همین اساس برنامه سوم نیز در کنار برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. موضوع بررسی محتوایی برنامه‌های توسعه ج.ا.ا به صورت روش‌مند پیشینه‌چندانی ندارد و تنها می‌توان به چند پژوهش تقریباً مرتبط، که در داخل کشور انجام شده، اشاره کرد: اولین مورد که می‌توان از آن یاد کرد پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قاسم میسایی با عنوان «جهانی شدن و توسعه در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه)» است (میسایی، ۱۳۹۳: ۵-۱). وی به بررسی نحوه نگرش به جهانی شدن در برنامه‌های توسعه سوم، چهارم و پنجم توسعه با روش تحلیل محتوا پرداخته است. در این مشخص شد، جهانی شدن در برنامه‌های توسعه، هم به صورت تهدید و هم به صورت فرصت برای توسعه کشور مطرح شده است، اما جنبه‌های مثبت و فرصت‌گونه جهانی شدن در برنامه‌های توسعه، تجلی بیشتری دارند، هر چند که وجود جنبه منفی و تهدیدآمیز جهانی شدن نیز در برنامه‌های توسعه انکارناپذیر است. از جمله پژوهش‌های مرتبط دیگر در این زمینه، کار فائز دین‌پرست با عنوان «موانع سیاسی توسعه اقتصاد ملی ایران ۱۳۸۸-۱۳۶۸» است (دین‌پرست، ۱۳۹۶: ۱۵). در قسمتی از این که به مطالعه موردی نقش نمایندگان مجلس در قانون‌گذاری برای توسعه کشور می‌پردازد، تأثیرگذاری آنها و ردپای منافع سازمانی و منطقه‌ای نمایندگان را در جای‌جای برنامه‌های توسعه، آشکار می‌کند. از جمله پژوهش‌های دیگر مقاله‌ای با عنوان «مجلس شورای اسلامی و سیاست‌گذاری در ایران» از وحید سینایی و سمیه زمانی است که به بررسی عوامل مؤثر بر نقش مجلس شورای اسلامی در فرایند سیاست‌گذاری ایران و میزان این اثرگذاری در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۷ می‌پردازد. محققین با کاربرست نظریه ساختار-کارگزار معتقدند، نقش مجلس در سیاست‌گذاری متأثر از دسته‌ای از ساختارها و کنش‌گران است. در مجموع نتایج مقاله مذکور نشان می‌دهد که نقش مجلس در سیاست‌گذاری ایران تعیین‌کننده نیست، اما اثرگذار است (سینایی و زمانی، ۱۳۹۱: ۲-۱). وحید سینایی و احمد محقر و سمیه زمانی در مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی نقش سومین دوره مجلس شورای اسلامی در سیاست‌گذاری؛ مطالعه موردی برنامه اول و گذار به دوره سازندگی (۱۳۷۱-۱۳۶۷)» به بررسی نقش سومین دوره مجلس شورای اسلامی در فرایند تدوین و تصویب برنامه اول توسعه می‌پردازد. نتایج تحقیق مذکور نشان می‌دهد که نقش سومین دوره مجلس در فرایند

گذار به سازندگی کم اثر بوده و بیشتر نقش تبعی و تأییدگر داشته است (سینایی، محقر و زمانی، ۱۳۹۰: ۷۶-۷۵). با توجه به پیشینه محدود مقاله می‌توان گفت که بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه ج.ا.ا تاکنون موضوع پژوهش مستقلی نبوده است. پرسش‌هایی که در این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به آنها هستیم این است که: توسعه سیاسی چه جایگاهی در برنامه‌های پنج‌ساله سوم، چهارم، پنجم و ششم داشته است؟ به منظور پاسخ‌گویی به این سوالات از روش تحلیل محتوا استفاده شده است و بندهای برنامه‌های توسعه به عنوان واحدهای زمینه، انتخاب شده‌اند. در ادامه ابتدا به مفهوم توسعه سیاسی و نظریات توسعه سیاسی پرداخته می‌شود، سپس به شاخص‌سازی و تحلیل برنامه‌های توسعه می‌پردازیم.

مفهوم توسعه سیاسی و نظریات مربوط به آن

مجموعه مطالعات علمی و پژوهش‌های درباره توسعه سیاسی، آنقدر متنوع و گوناگون است که اگر به ریشه‌ها و اهداف مشترک این مطالعات از یک سو و الزامات دسته‌بندی‌های آکادمیک از سوی دیگر توجه نشود، نوعی تشتت و آشفتگی مطالعاتی به ذهن متبادر می‌شود (دبیری مهر، ۱۳۹۳: ۱۸۰). رونالد چیلکوت معتقد است که نظریات توسعه سیاسی را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

الف- آن دسته که توسعه سیاسی را با دموکراسی مترادف می‌دانند؛

ب- آن دسته که بر تغییر و توسعه سیاسی تمرکز تحقیقاتی داشته‌اند؛

پ- آن دسته که به تجزیه و تحلیل بحران‌ها و مراحل تسلسلی توسعه سیاسی پرداخته‌اند (سریع‌القلم، ۱۳۷۱: ۱۲۷-۱۲۶).

برتران بدیع در کتاب توسعه سیاسی، تقسیم‌بندی دیگری از نظریات توسعه سیاسی ارائه می‌دهد و معتقد است سه جریان در مطالعات مربوط به توسعه سیاسی شکل گرفته‌اند که به شرح ذیل است:

الف- نخستین جریان، نظریه‌های کلاسیک توسعه‌گرایی است. این جریان در صدد تنظیم و صورت‌بندی نظریه‌های توضیحی عام و جهان‌شمول است و از ایده‌ها و اندیشه‌های جامعه‌شناسی قرن ۱۹ الهام می‌گیرد. از چهره‌های شاخص این جریان می‌توان لیپست، دال، دوئیچ، لرنر، شیلز، آلموند، کلمن، پای، وربا و ارگانسکی را ذکر کرد (عبدالهی و راد، ۱۳۸۸: ۳۲).

در سال ۱۹۶۵ "لوسین پای" فهرست کاملی از معانی مختلف توسعه سیاسی را گرد آورد. فهرست وی شامل معانی متعدد از جمله نوسازی سیاسی، ثبات و تحول منظم به بسیج و قدرت، ساختن دموکراسی، مشارکت و بسیج توده‌ای، عملیات یک دولت ملی، شرایط سیاسی لازم برای توسعه اقتصادی، بعدی از فرایند چند جانبه تحول اجتماعی و توسعه اداری و قانونی می‌شد (Huntington, 1988: 370).

"پای" کوشید با ترکیب معانی و تعاریف متفاوتی که در باب توسعه سیاسی مطرح شده بود، به یک تعریف ترکیبی دست یابد. بنابراین از نظر او توسعه سیاسی عبارت بود از حرکت به سوی:

۱. برابری فزاینده میان افراد در سیستم سیاسی؛ از این لحاظ توسعه سیاسی به مشارکت توده‌ای و اقدام عمومی در فعالیت‌های سیاسی مربوط است. این مشارکت ممکن است به صورت تحرک دموکراتیک یا در شکل تحرک توتالیتیر باشد، اما نکته اصلی تبدیل شدن مردم به شهروندان فعال است. در این مورد دست کم صورت ظاهر حاکمیت عمومی ضروری است و نیز قوانین باید دارای ماهیت همگانی باشد و در اجرا کم و بیش از جنبه تفاوت‌های شخصی خارج شود و دست‌یابی به مقامات سیاسی باید با توجه به دستاوردها، لیاقت‌ها و صلاحیت‌ها باشد، نه نتیجه روال انتصابی در نظام‌های اجتماعی سنتی.

۲. ظرفیت فزاینده سیستم سیاسی در ارتباط با محیط خود؛ این ویژگی توسعه سیاسی به توانایی نظام سیاسی در دادن «برون دادها» و به میزان تأثیر آن بر جامعه و اقتصاد اشاره دارد. ظرفیت، با اجرای وظایف حکومتی و شرایط اثرگذار بر این اجرا همراه است و تمایلی است به تخصصی کردن حکومت و عقلایی کردن مدیریت.

۳. تنوع فزاینده در نهادها و ساختارها در درون سیستم سیاسی که در قلب فرآیند توسعه سیاسی نهفته بود (رحیمی، ۱۳۷۸: ۱۳۳). این ویژگی توسعه سیاسی بر گسترش و اختصاصی کردن ساختارها دلالت می‌کند. مقامات و کارگزاری‌ها تمایل می‌یابند وظایف مشخص و محدودی داشته باشند و تقسیم کار متعادلی در درون حکومت وجود داشته باشد. این ویژگی همچنین متضمن یکپارچه کردن مجموعه ساختارها و روندهاست (قوام، ۱۳۷۱: ۱۰).

گابریل آلموند و لوسین پای در کتاب خود تحت عنوان «سیاست‌های مقایسه‌ای» بیان می‌دارند که اگر نظام سیاسی چهار مشکل را حل کند، به توسعه سیاسی دست پیدا می‌کند. آن

چهار مشکل عبارتند از:

الف- مشکل نفوذ قدرت سیاسی و یکپارچگی؛

ب- ایجاد حس وفاداری و تعهد نسبت به ملت و منافع ملی و نظام سیاسی در میان توده‌ها؛

پ- مشکل مشارکت که موجب پیدایش خواسته‌های جدید به ویژه پیرامون سهیم شدن در

امر قدرت و تصمیم‌گیری سیاسی می‌شود؛

ت- ایجاد روند توزیع منابع و امکانات مادی و فرصت‌های مختلف زندگی همچون فرصت

تحصیلی و کسب درآمد و ایجاد حرف تازه و... نظارت و کنترل داشته باشد (Almond &

Powell, 1966: 16-30).

بایندر معتقد است که اگر کشوری بخواهد به رشد و توسعه برسد، باید پنج بحران را پشت سر بگذارد. «این پنج بحران عبارتند از: بحران هویت، بحران مشارکت، بحران نفوذ، بحران مشروعیت و بحران توزیع» او معتقد است که وجه تمایز کشورهای توسعه‌یافته صنعتی، از کشورهای در حال توسعه در آن است که آنان در گذشته به طریقی موفقیت‌آمیز بحران‌های فوق را به ویژه بحران‌های هویت و مشروعیت را پشت سر نهاده‌اند (سیف زاده، ۱۳۸۶: ۱۷۳).

ث- دومین جریان در این حوزه در پی بازسازی جامعه‌شناسی (یا سیاست‌شناسی) از طریق وداع با نظریه‌های کلان و روی آوردن به نمونه‌های صوری است که به گونه‌ای انتزاعی فقط به دنبال یافتن وجوه مشترک تمامی روندهای نوسازی سیاسی است (بدیع، ۱۳۷۹: ۲۳). از چهره‌های شاخص این جریان، بزرگانی چون هانتینگتون، اپتر بندیکس، رکان و آیزنشتاد قابل ذکرند (عبدالهی و راد، ۱۳۸۸: ۳۲).

هانتینگتون از صاحب نظران مطرح در مباحث توسعه، بین مفهوم «توسعه» و «نوسازی» و معتقد است که در فرایند نوسازی آگاهی‌های سیاسی به درون گروه‌های اجتماعی گسترش یافته و این گروه‌ها به درون سیاست بسیج می‌شوند. در بعد توسعه سیاسی وی بر مسأله نهادمندی تأکید کرده و توسعه سیاسی را به مفهوم آفرینش و ایجاد نهادهای سیاسی می‌داند که دارای ویژگی‌هایی از قبیل تطبیق‌پذیری (در مقابل انعطاف‌ناپذیری)، پیچیدگی (در مقابل سادگی)، استقلال (در مقابل تابعیت) و انسجام (در مقابل ازهم‌گسیختگی) است (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۱۸-۴۰). در نظریه هانتینگتون نوسازی همیشه به توسعه نمی‌انجامد. نوسازی ممکن است بر حسب این که روند نهادینه شدن با گسترش مشارکت سیاسی همراه باشد یا نه، به زایش دو نوع نظام

سیاسی «جامعه مدنی» و «جامعه پره تورین» بینجامد. در «جامعه مدنی» کاهش نیروهای اجتماعی و ورود آنها به صحنه سیاست با بازی نهادهایی متعادل می‌شود که قادرند مشارکت آنها را سازمان و نظم بخشند. برعکس مشخصه «جامعه پره تورین» رویارویی مستقیم و بی‌واسطه نیروهای اجتماعی است که هر یک برای رسیدن به هدف شیوه خاص خود را پیش می‌گیرند. از این رو مشارکت سیاسی در این جوامع به دلیل سطح پایین نهادینگی، با بی‌نظمی و بی‌قاعدگی همراه است. برای مثال در سال‌های دهه ۱۹۶۰، دانشجویان و دانش‌آموختگان بی‌کار دانشگاهی در کشورهای کره، برمه و تایلند نگرانی‌هایی را برای حکومت آن کشورها برانگیختند (Huntington, 1988: 52). به جامعه نوع اول توسعه یافته (از نظر سیاسی) می‌گویند و به جامعه نوع دوم در حال انحطاط لقب می‌دهند (بدیع، ۱۳۸۷: ۹۹).

ج- سومین جریان، در پی آن است تا با رجوع به تاریخ، به توضیحی جامع و منحصر به فرد از توسعه سیاسی هر جامعه دست یابد (بدیع، ۱۳۸۷: ۲۴). از جمله متفکران منصوب به این جریان فکری، کسانی چون والرستین، آندرسون، برینگتون مور، تیلی و اسکاچپول را می‌توان نام برد (عبدالهی و راد، ۱۳۸۸: ۳۳).

اکنون با توجه به نظریات ارائه شده در مورد توسعه سیاسی می‌توان تعریفی کلی از توسعه سیاسی ارائه داد: «توسعه سیاسی بخشی از فرایند پیچیده توسعه ملی است که زمینه‌ها و شرایط لازم را برای نهادینه کردن امر مشارکت و رقابت سیاسی درون جامعه را فراهم می‌کند و حاصل نهایی آن افزایش توانمندی نظام سیاسی است.» (عبدالهی و راد، همان: ۳۸) بر این اساس توسعه سیاسی با رشد دموکراسی مترادف است و هراندازه یک نظام سیاسی از انعطاف ناپذیری به انعطاف پذیری، از سادگی به پیچیدگی، از دنباله روی به خودمختاری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت توسعه سیاسی نیز در آن نظام افزایش می‌یابد. با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان مولفه‌های چهارگانه، گذار به توسعه سیاسی را در سه موضوع؛ دولت، جامعه مدنی، مردم و جامعه بیان کرد (Pye, 1963: 19). به عبارت دیگر مولفه‌های چهارگانه گذار در این سه محور نمود پیدا می‌کند. در مورد تفاوت بین جامعه مدنی، مردم و جامعه باید گفت که منظور از جامعه مدنی، مجموعه سازمان‌ها، نهادها و تشکیلات غیردولتی است که نقش واسطه بین افراد و گروه‌های اجتماعی و حکومت را برعهده دارند و در مقابل منظور از مردم و جامعه همان شهروندان هستند که جنبه غیرسازمانی و غیرتشکیلاتی دارد. در ادامه با بررسی

شاخص‌های هر کدام از این محورها، این تمایزات آشکارتر می‌شود.

شاخص‌های توسعه سیاسی

دولت

دولت در جامعه توسعه یافته دارای ویژگی‌های ذیل است:

* **حاکمیت قانون و ضابطه در نظام اداری کشور:** در جامعه سیاسی توسعه یافته تصمیمات از حالت شخصی خارج می‌شوند و برای هر مورد ضوابط و قوانین خاصی حاکم است که براساس آن‌ها تصمیم‌گیری می‌شود. بر این اساس است که قوانین ماهیت همگانی پیدا می‌کنند و در اجرا کم و بیش از جنبه تفاوت‌های شخصی خارج می‌شوند و دست‌یابی به مقامات سیاسی باید با توجه به دستاوردها، لیاقت‌ها و صلاحیت‌ها باشد، نه نتیجه روال انتصابی در نظام‌های اجتماعی سنتی (عالم، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

* **تمرکززدایی در اداره کشور:** در این مورد می‌توان به دو موضوع اشاره کرد: یکی بحث تفکیک وظایف بین قوای سه‌گانه کشور و دیگری بحث تمرکززدایی در اداره امور کشور به نحوی که مناطق داخلی محلی نیز در چارچوب قانون در اتخاذ تصمیمات محلی خود دخیل باشند (عالم، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

* **تخصصی کردن حکومت:** حکومت دارای نظام اداری منضبط است که به صورت تخصصی، سازمان یافته است. در این سازمان تفکیک کارکردها و پیچیدگی خاصی حاکم است (عالم، ۱۳۸۶: ۱۲۶-۱۲۵).

* **یکپارچگی ساختارها و روندها:** در عین حال که ساختار حکومت دارای تفکیک کارکردها است و وظایف و اختیارات در بین سازمان‌های مختلف حکومتی مشخص شده است و تقسیم کار در بین آن‌ها وجود دارد، اما در نهایت بین این نهادها نوعی هماهنگی و یکپارچگی در روندها و ساختارها وجود دارد که همگی آن‌ها را در قالب یک نظام سیاسی جمع می‌کند.

* **منابع درآمدی دولت:** جامعه توسعه یافته، جامعه‌ای است که در آن دولت به منابع درآمدی غیررانتی وابسته باشد زیرا وابستگی دولت به منابع رانتی خود ضد توسعه است و منجر به جدایی و بی‌تفاوتی دولت به مردم و از طرف دیگر مردم به دولت می‌شود (بشیری، ۱۳۸۱: ۱۱۰-۱۰۵).

* **عدم وجود فساد اداری و سیاسی:** در جامعه توسعه یافته به دلایل مختلف (که در ادامه در مدل نمایش خواهیم داد) فساد اداری و سیاسی به حداقل کاهش می‌یابد. یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث جلوگیری از فساد اداری و سیاسی می‌شود وجود بازدارنده‌هایی مثل احزاب سیاسی رقیب و جامعه مدنی قوی است (Huntington, 1968: 24).

* **نفوذ نظام سیاسی:** یکی از ویژگی‌های دولت در جوامع توسعه یافته این است که دولت بر تمام نقاط سرزمینی خود حاکمیت دارد و توانایی اعمال نفوذ بر تمام کشور را دارد و همچنین قوانین وضع شده آن بر گستره دولت سرزمینی خود اعمال و اجرا می‌شود (Binder, 2015: 66).

* **یکپارچگی سیاسی:** یکپارچگی سیاسی نیز که در امر یکپارچگی ملی نقش به سزایی دارد، عبارتست از همگرایی و اتفاق نظر اعضای جامعه سیاسی نسبت به فرایندهای سیاسی. در این وضعیت تمام گروه‌های سیاسی نسبت به راهبردهای اساسی سیاسی به جمع بندی می‌رسند و تنها تفاوت آنها در تاکتیک‌ها و در مسیر راهبرد است (زبیا کلام و مقتدایی، ۱۳۹۳: ۱۱).

جامعه مدنی

جامعه مدنی مجموعه‌ای از سازمان‌ها، نهادها و تشکیلات غیردولتی است که نقش واسطه بین افراد و گروه‌های اجتماعی از یک سو و حکومت از سوی دیگر را برعهده دارند. جامعه مدنی در تعریفی دیگر به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها، موسسات، انجمن‌ها و تشکل‌های خصوصی و مدنی (غیرخصوصی) را در برمی‌گیرد (عباسی، ۱۳۹۳: ۴؛ به نقل از بشیریه، ۱۳۸۰: ۳۲۹). این نهادها ضامن نهادینه شدن آزادی و بسط مشارکت مردمی هستند که در مهار قدرت‌های اقتدارگر، نقش اساسی را ایفا می‌کنند وجود جامعه مدنی تأثیرگذار و قوی یکی از مهم‌ترین ابعاد جوامع توسعه یافته است. جامعه مدنی، تشکل‌ها و نهادهای آن پدیده‌ای نیست که در خلأ ایجاد شود، بلکه از درون شرایط و اوضاع درونی یک کشور پدید می‌آید. ساختارهای سیاسی، فرهنگی و حقوقی در یک کشور بر گسترش تشکل‌های مدنی نقش به سزایی دارند. برای دستیابی به جامعه مدنی مؤثر و پویا نیاز به آن است که محدودیت‌های سیاسی - قانونی فعالیت تشکل‌های مدنی کاهش یابد. بر این اساس ساختار قدرت باید فضا و بستر مناسب را برای فعالیت تشکل‌های مستقل مدنی (مطبوعات، انجمن‌های مدنی، جنبش‌های اجتماعی و...) فراهم آورد.

در ذیل به ویژگی‌های این بعد می‌پردازیم.

* وجود احزاب سازمان‌یافته و قوی: یکی از مهم‌ترین مولفه‌های جامعه مدنی در کشورهای توسعه‌یافته وجود احزابی است که دارای عمری بیشتر از رهبران و بنیانگذاران آنها باشند. وجود احزاب خود معلول عوامل بسیاری است که در ذیل به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

- وجود قوانین موثر در زمینه پیدایش، فعالیت و احیانا لغو احزاب؛

- وجود قوانین موثر در زمینه حمایت دولتی از احزاب سیاسی؛

- وجود فرهنگ عملکرد حزبی در بین مردم؛

- وجود تفکر مثبت نسبت به احزاب در بین دولت‌مردان؛

* وجود سازمان‌های غیردولتی: یکی از ویژگی‌های جامعه مدنی وجود سازمان‌های مختلف است که به نمایندگی از مردم در جهت حمایت از حقوق آنها و تأمین منافع آنها شکل می‌گیرد. این سازمان‌ها می‌توانند گستره وسیعی را در برگیرند که شامل انواع سازمان‌های صنفی، تخصصی، اجتماعی و مواردی از این قبیل است.

* وجود قوانین و ساختارهای تعریف شده برای مشارکت نهادهای جامعه مدنی در سیاست: جامعه مدنی در صورتی می‌تواند موثر باشد که زمینه‌های لازم برای مشارکت آن در سیاست فراهم شود. اگر سازمان مدنی نهادینه نباشد و قوانینی برای فعالیت و حمایت از آن وجود نداشته باشد، توانایی ایفای نقش خود را به درستی ندارد.

* عملکرد دموکراتیک جامعه مدنی: جامعه مدنی در صورتی می‌تواند موثر واقع شود که خود دموکراتیک عمل کند. اگر جامعه مدنی در صدد اعمال نفوذ بر دولت و رقبا از طریق روش‌های غیردموکراتیک باشد، فضای مناسب برای توسعه جامعه به وجود نمی‌آید.

مردم و جامعه (شهروندان)

مردم در روند توسعه سیاسی یک جامعه، بخش مهمی از کار را انجام می‌دهند. همان‌طور که در رویکردهای جامعه‌شناختی مطرح است، جامعه و مردم به عنوان مواد خام یک نظام سیاسی تلقی می‌شوند و نظام سیاسی ویژگی‌های خود را از درون جامعه خود کسب می‌کند و در قالب همان جامعه به ایفای نقش می‌پردازد. هر چند که ارتباط متقابل بین نظام سیاسی و جامعه غیرقابل انکار است. یعنی همان‌طور که جامعه و محیط سیاسی بر نظام سیاسی تأثیر

می‌گذارد، نظام سیاسی نیز تأثیرات خود را بر جامعه و محیط سیاسی اعمال می‌کند. بدین ترتیب مردم و جامعه بخش مهمی در فرایند توسعه سیاسی محسوب می‌شود. از جمله ویژگی‌های جامعه و مردم در جامعه توسعه یافته، موارد ذیل است:

* **آگاهی سیاسی:** مردمی که با دید و آگاهی سیاسی با نظام برخورد می‌کنند و از حقوق و تکالیف و مسئولیت‌های خود در قبال جمع آگاهند، از راه‌های صحیح نظرات و اعتقادات خود را به نظام و مسئولین می‌رسانند. چنین جامعه‌ای که مردم، کشور و دولت را متعلق به خود می‌داند، در فعالیت‌های سیاسی شرکت کرده و اعتماد متقابل بین مردم و دولت که نقطه کمال در جامعه‌پذیری سیاسی است، ایجاد می‌شود (نصوحیان، ۱۳۸۷: ۱۷۷).

* **وجود عنصر اعتماد در روابط اجتماعی:** توسعه سیاسی بیش از هر چیز، به امنیت و آرامش در حوزه سیاسی نیازمند است و چنین امنیت و آرامشی تنها در سایه برقراری اعتماد میان حاکمان و مردم حاصل می‌شود. بنابراین باید مکانیسم‌هایی برای ایجاد اعتماد میان آنها طراحی کنیم. اعتماد یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است که ارتباط تنگاتنگی با احترام، اطمینان، جامعه‌پذیری، انسجام اجتماعی و جامعه‌مدنی دارد که با مشکل اصلی سیاست‌گذاری عمومی، برقراری و تداوم هماهنگی اجتماعی، ارتباط دارد. هرچند متخصصین و کارشناسان بیشتر به ابزارهای رسمی، نهادی و مادی توجه دارند ولی شکی نیست که ابزارهای نرم و چارچوب‌های شناختی و تمایلات اخلاقی که در سطح مردم بر زندگی اجتماعی مسلط است از متغیرهای اصلی به حساب می‌آید که امکان موفقیت نهادها وابسته به آن است. روابط اعتماد را در چهار حوزه می‌توان تقسیم کرد:

- اعتماد شهروندان به شهروندان دیگر؛

- اعتماد شهروندان به نخبگان سیاسی؛

- اعتماد نخبگان به یکدیگر؛

- اعتماد نخبگان به شهروندان (نصوحیان، ۱۳۸۷: ۱۶۶).

* **همبستگی ملی و احساس تعلق ملی:** جامعه و مردمی ظرفیت توسعه دارند که ذهنیت آن‌ها از قالب‌های قبیله‌ای و محلی خارج شده باشند و در عین حال که خود را متعلق به گروه یا قوم خاصی می‌دانند، نسبت به نظام سیاسی نیز احساس تعلق کنند و خود را جزئی از آن بدانند. در مقابل افراد دیگر را نیز در داخل کشور به عنوان هم‌وطنان خود تلقی کند. بدین ترتیب است

که انسجام و وحدت داخلی در قالب نظام دولت ملی شکل می‌گیرد (بدیع، ۱۳۸۷: ۷۰).
* **عدم وجود شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه:** جامعه توسعه یافته، جامعه‌ای است که به نوعی همگنی و یکدست بودن رسیده باشد. از جمله ویژگی‌های جامعه همگن این است که در آن شکاف‌های آشتی‌ناپذیر طبقاتی، محلی و منطقه‌ای و قومی وجود نداشته باشد (قوام، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

روش پژوهش: تحلیل محتوا

در این مقاله برای بررسی موضوع موردنظر (بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه) از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در اینجا قبل از این که به تحلیل برنامه‌های توسعه، در رابطه با موضوع موردنظر بپردازیم، ابتدا لازم است به‌طور مختصر در مورد روش به کار گرفته شده (تحلیل محتوا) و همچنین نحوه‌ی به‌کارگیری آن در این پژوهش، توضیحاتی ارائه شود.

تحلیل محتوا؛ روشی است که می‌توان آن را درباره انواع گوناگون پیام‌های مندرج در آثار ادبی، مقاله‌های روزنامه، اسناد رسمی، خطابه‌ها، اعلامیه‌های سیاسی، گزارش‌های اجتماعات، برنامه‌های شنیداری، دیداری و گزارش مصاحبه‌های نیمه‌رهنمودی به کار بست. واژه‌هایی که نویسنده، سخنران یا پاسخگو به کار می‌برد، بسامد آن‌ها، وجه آرایش آن‌ها در جمله، ساختمان خطابه و چگونگی بسط آن، منبع اطلاعاتی هستند که بر مبنای آن‌ها محقق می‌کوشد به شناختی دست یابد. (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۶: ۲۳۷) کلوس کرپندورف تحلیل محتوا را "تکنیک پژوهشی استنباط معتبر از متن" تعریف می‌کند (کرپندورف، ۱۳۹۰: ۹-۲۹).

با توجه به این که در این مقاله از روش تحلیل محتوا استفاده شده است، در ادامه نحوه کاربست آن را توضیح می‌دهیم. در ابتدا متن تحقیق را مشخص کردیم؛ متن نوشته قانون برنامه‌های توسعه مصوب مجلس به‌عنوان متن تحقیق انتخاب شد. در ادامه با توجه به موضوع تحقیق متغیرهایی را که باید در متن درصدد شناسایی آن‌ها باشیم، مشخص کردیم. بدین منظور به تعریف مفهوم توسعه سیاسی، تعیین ابعاد و مؤلفه‌ها، و شاخص‌های آن پرداختیم. نتیجه این کار به شرح زیر است:

بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران ۱۶۹

جدول ۱: توسعه سیاسی، ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های آن

مفهوم	ابعاد	مولفه‌ها	شاخص‌ها
توسعه سیاسی	دولت	حاکمیت قانون و ضابطه در نظام اداری کشور	پایبندی به ضوابط به جای روابط در نظام اداری کشور
		یکپارچگی سیاسی	اتفاق نظر اعضای جامعه سیاسی نسبت به راهبردهای اساسی کشور
		نفوذ نظام سیاسی	اعمال نفوذ نظام سیاسی در تمام نقاط کشور
		بهره‌وری و عدم وجود فساد اداری و سیاسی	کاهش فساد اداری و سیاسی
		منابع درآمدی دولت	منابع غیررانتی
		یکپارچگی ساختارها و روندها	هماهنگی و یکپارچگی بین انواع نهادها و ساختارهای نظام سیاسی
		تخصصی کردن حکومت	دوره‌های آموزشی ضمن خدمت به کارگیری افراد بر اساس تخصص
		تمرکززدایی در اداره کشور	آمایش سرزمینی
			خصوصی‌سازی
			شوراها و دستگاه‌های محلی مشارکت تشکلی‌های صنفی تخصصی
جامعه مدنی	وجود احزاب سازمان‌یافته و قوی	وجود احزاب	قوانین موثر در زمینه پیدایش، فعالیت و احیاناً لغو احزاب قوانین موثر در زمینه حمایت دولتی از احزاب سیاسی وجود فرهنگ عملکرد حزبی در بین مردم تفکر مثبت نسبت به احزاب در بین دولت مردان
		-وجود سازمان‌های غیردولتی	
	-وجود قوانین و ساختارهای تعریف شده برای مشارکت نهادهای جامعه مدنی در سیاست	-قوانین مربوط به آزادی‌های سیاسی -قانون حقوق شهروندی -قانون مربوط به رسانه‌ها	
		-عملکرد دموکراتیک جامعه مدنی	
مردم و جامعه	وجود عنصر اعتماد در روابط اجتماعی	آگاهی سیاسی	اعتماد نخبگان به یکدیگر اعتماد نخبگان به شهروندان

اعتماد شهروندان به شهروندان دیگر اعتماد شهروندان به نخبگان سیاسی			
	همبستگی ملی و احساس تعلق ملی		
شکاف طبقاتی شکاف محلی و منطقه‌ای شکاف قومی	عدم وجود شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه		

جدول شماره یک به ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی اختصاص داده شده است. با توجه به این جدول سعی در شناسایی مولفه‌ها و شاخص‌های توسعه سیاسی در واحدهای مورد بررسی را داشته. بنابراین متن، با توجه به این جدول تحلیل می‌شود.

پس از مشخص کردن متغیرها و شاخص‌ها، نوبت به واحدبندی متن رسید. در این جا به منظور بررسی دقیق‌تر ابتدا متن قانون برنامه را به فصل‌های آن واحدبندی کردیم. مجدداً فصل‌ها را به ماده‌های تشکیل‌دهنده آن‌ها تجزیه کردیم و بدین ترتیب "ماده" را به عنوان واحد زمینه در این تحقیق انتخاب کردیم و به بررسی وضعیت هر ماده با توجه به متغیرهای مشخص شده پرداختیم. در ادامه وضعیت هر کدام از ماده‌های قانون برنامه را نشانه‌گذاری کردیم و بدین ترتیب به مرحله تحلیل و استنباط رسیدیم که در ادامه بیان می‌شود.

تحلیل تجربی برنامه‌های توسعه

با توجه به شاخص‌سازی‌هایی که در قسمت قبل (روش‌شناسی) به آن پرداخته شد به بررسی متون برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم در رابطه با موضوع تحقیق (توسعه سیاسی) پرداختیم. از جمله مواردی که در این رابطه مورد بررسی قرار گرفته‌اند شامل؛ میزان پرداختن به توسعه سیاسی در هر کدام از برنامه‌ها، میزان پرداختن به ابعاد مختلف توسعه سیاسی در هر کدام از برنامه‌ها و تفاوت‌ها و شباهت‌های بین برنامه‌های توسعه در رابطه با موضوع تحقیق است که نتایج آن به صورت ذیل ارائه می‌شود:

میزان پرداختن به توسعه سیاسی در برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه برنامه سوم توسعه از لحاظ ساختار و قالب، از مجموعه "ماده"‌ها تشکیل شده است. برای

بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران ۱۷۱

بررسی این برنامه "ماده"‌های آن را به عنوان واحد زمینه انتخاب کردیم و در ادامه به بررسی موضوع تحقیق در ماده‌های تشکیل دهنده آن می‌پردازیم. برنامه مذکور از ۱۹۹ ماده تشکیل شده است. از مجموع این مواد، ۶۲ ماده با موضوع تحقیق مرتبط است. درصد فراوانی مواد مرتبط در این برنامه ۳۱,۱۵ درصد است. در جدول ذیل مواد مرتبط با هر یک از شاخص‌های توسعه سیاسی در برنامه سوم توسعه آورده شده‌اند:

جدول ۱: مواد مرتبط با توسعه سیاسی در برنامه سوم توسعه

ماده‌های مرتبط	شاخص‌ها	مولفه‌ها	ابعاد	مفهوم	
۱-۲-۳-۴-۴۰-۵۹- ۶۱-۹۹-۱۲۰-۱۵۱		بهره‌وری و عدم وجود فساد اداری و سیاسی	دولت	توسعه سیاسی	
۱۵۰-	دوره‌های آموزشی ضمن خدمت	تخصیصی کردن حکومت			
	به کارگیری افراد بر اساس تخصص				
۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴- ۷۶-۷۷-۷۸-۸۱-۸۲- ۱۴۸-	آمایش سرزمینی	تمرکززدایی در اداره کشور			
۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳- ۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸- ۲۸-۳۰-۳۱-۳۳-۳۴- ۵۶-۹۸-۱۱۱-۱۲۲- ۱۲۸-۱۲۹-	خصوصی‌سازی				
۱۳۶-۱۳۷-۱۵۶-	شوراها و دستگاه‌های محلی				
	مشارکت تشکلی‌های صنعتی تخصصی				
۶۴-۱۸۹-	سایر موارد				
					حاکمیت قانون و ضابطه در نظام اداری کشور
۶۰-					منابع درآمدی دولت
۱۲۴-		نفوذ نظام سیاسی			
۱۸۰-۱۸۳-		یکپارچگی ساختارها و روندها			

		وجود احزاب سازمان یافته و قوی	جامعه مدنی
-۱۸۲-۱۵۸-۱۰۴		وجود سازمان های غیردولتی	
	قانون حقوق شهروندی	وجود قوانین و ساختارهای تعریف شده برای مشارکت نهادهای جامعه مدنی در سیاست	
-۱۶۷	قانون مربوط به رسانه‌ها		
		آگاهی سیاسی	مردم و جامعه
	شکاف طبقاتی	عدم وجود شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه	
-۱۴۵-۱۴۳-۱۲۵-۵۰-۱۹۷-۱۹۳	شکاف محلی و منطقه‌ای		
		همبستگی ملی و احساس تعلق ملی	

برنامه چهارم توسعه در مجموع از ۱۶۱ ماده تشکیل شده است. در این برنامه مجموع موادی که مرتبط با توسعه سیاسی تشخیص داده شده‌اند، ۸۰ ماده است. شماره این مواد و ارتباط آن‌ها با هر یک از شاخص‌های توسعه سیاسی در جدول ۵ نشان داده شده است. اگر بخواهیم درصد فراوانی مواد مرتبط با توسعه سیاسی در این برنامه را محاسبه کنیم، مواد مرتبط ۵۰ درصد مواد برنامه را شامل می‌شوند. این وضعیت را به خوبی می‌توان در نمودار ۲ مشاهده کرد.

جدول ۳: مواد مرتبط با توسعه سیاسی در برنامه چهارم توسعه

ماده‌های مرتبط	شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	ابعاد	مفهوم
-۱۳۷-۱۲۴-۸۴-۳۴-۷-۵ -۱۴۹-۱۴۲-۱۳۹-۱۳۸ -۱۵۴-۱۵۳-۱۵۲		بهره‌وری و عدم وجود فساد اداری و سیاسی	دولت	توسعه سیاسی
-۵۴	دوره‌های آموزشی ضمن خدمت	تخصصی کردن حکومت		
-۱۴۶-۱۴۳-۱۴۱	به کارگیری افراد بر اساس تخصص			
-۸۲-۸۱-۷۸-۷۴-۷۳-۷۲ -۱۴۴-۸۳	آمایش سرزمینی	تمرکززدایی در اداره کشور		
-۲۸-۲۵-۲۱-۲۰-۱۶-۹-۶ -۱۳۶-۱۱۷-۱۰۲-۲۹	خصوصی‌سازی			

بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران ۱۷۳

۱۰۵-۶۹-	شوراها و دستگاه های محلی			
۱۲۲-۳۷-	مشارکت تشکل های صنفی تخصصی			
۱۴۵-۱۳۵-۱۳۴-۸۸-	سایر موارد			
		حاکمیت قانون و ضابطه در نظام اداری کشور		
۲-۱-		منابع درآمدی دولت		
۱۲۱-۷۵-		نفوذ نظام سیاسی		
۱۲۹-۱۲۷-۱۲۵-۵۵-۵۳-		یکپارچگی ساختارها و روندها		
۱۱۹-		وجود احزاب سازمان یافته و قوی		
۱۱۰-۱۰۴-۱۰۱-۹۸-۹۷-۱۴۰-۱۱۲-۱۱۱-		وجود سازمان های غیردولتی	جامعه مدنی	
۱۳۲-۱۳۰-۱۰۰-	قانون حقوق شهروندی	وجود قوانین و ساختارهای تعریف شده برای مشارکت نهادهای جامعه مدنی در سیاست		
۱۱۶-	قانون مربوط به رسانه ها			
۱۰۶-		آگاهی سیاسی		
۹۶-۹۵-۳-	شکاف طبقاتی	عدم وجود شکاف های آشتی ناپذیر در جامعه	مردم و جامعه	
۸۹-۵۲-۳۰-۲۷-۱۹-۱۰-۱۰۳-۹۱-	شکاف محلی و منطقه ای			
۱۲۰-۱۰۹-		همبستگی ملی و احساس تعلق ملی		

برنامه پنجم توسعه از ۲۳۵ ماده تشکیل شده است. شماره مواد مرتبط با توسعه سیاسی در جدول ذیل آمده است. با توجه به محل قرار گرفتن شماره مواد مرتبط در جدول، می توان پی برد که ماده مورد نظر با کدام یک از مولفه ها و شاخص های توسعه سیاسی مرتبط است. همان طور که در جدول مشاهده می شود، از مجموع مواد برنامه پنجم توسعه ۶۸ ماده آن با توسعه سیاسی مرتبط است. درصد فراوانی این مواد ۲۹ درصد مجموع مواد تشکیل دهنده برنامه است که این وضعیت را می توان در نمودار سه مشاهده کرد.

جدول ۲: مواد مرتبط با توسعه سیاسی در برنامه پنجم توسعه

ماده‌های مرتبط	شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	ابعاد	مفهوم
۸۴-۷۹-۷۱-۶۷-۶۵-۴۶- ۲۲۱-۲۱۸-۲۰۵-۱۱۹- ۱۱۳-۲۲۴		بهره‌وری و عدم وجود فساد اداری و سیاسی	دولت	توسعه سیاسی
۲۰۸-	دوره‌های آموزشی ضمن خدمت	تخصیصی کردن حکومت		
۲۱۰-	به کارگیری افراد بر اساس تخصیص			
۱۸۲-۱۸۱-۱۷۹-۱۷۸- ۲۱۶-۱۸۶-۱۸۴-۱۸۳-	آمایش سرزمینی	تمرکززدایی در اداره کشور		
۱۱۸-۱۰۲-۷۷-۲۸-۲۶- ۱۴۳-۱۴۲-۱۲۸-۱۲۷-۱۲۴- ۱۶۴-۱۶۱-۱۵۷-۱۵۰-	خصوصی سازی			
۱۷۴-۱۷۳-	شوراها و دستگاه‌های محلی			
۱۵۳-۱۴۶-۳۸-	مشارکت تشکل‌های صنعتی تخصیصی			
	سایر موارد			
		حاکمیت قانون و ضابطه در نظام اداری کشور		
۲۳۴-۱۱۷-		منابع درآمدی دولت		
۲۰۳-۲۰۲-۱۹۸-		نفوذ نظام سیاسی		
۷۰-۵۶-۵۵-۵۴-۱۶-		یکپارچگی ساختارها و روندها		
		وجود احزاب سازمان یافته و قوی		
۷۳-۲۵-		وجود سازمان‌های غیردولتی		
۲۳۰-۲۲۷-۲۱۱-	قانون حقوق شهروندی	وجود قوانین و ساختارهای تعریف شده برای مشارکت نهادهای جامعه مدنی در سیاست		
۱۰-	قانون مربوط به رسانه‌ها		مردم و جامعه	
		آگاهی سیاسی		
۳۹-	شکاف طبقاتی	عدم وجود شکاف‌های		

بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران ۱۷۵

۱۹-۳۲-۳۶-۸۰-۸۴-۱۳۲- ۱۵۹-۱۸۰-۱۹۴-۲۰۴-	شکاف محلی و منطقه‌ای	آشتی‌ناپذیر در جامعه		
		همبستگی ملی و احساس تعلق ملی		

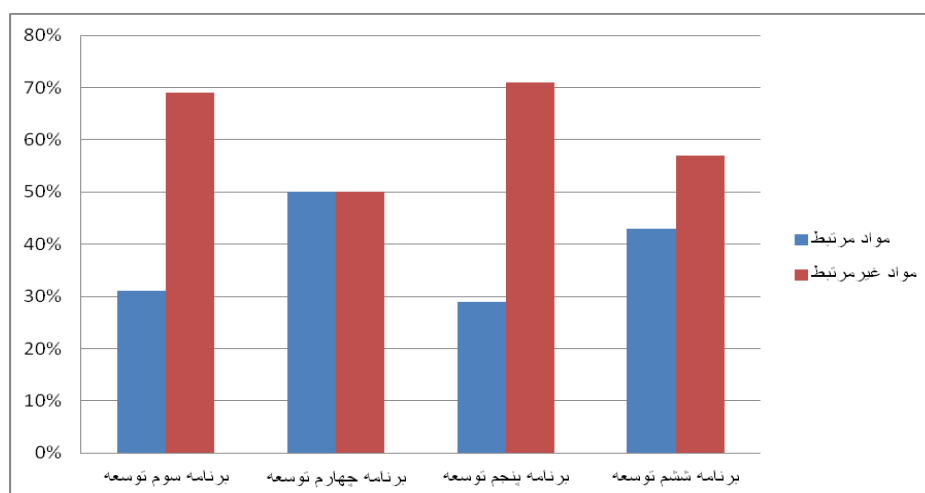
برنامه ششم توسعه از ۱۲۴ ماده تشکیل شده است. این برنامه آخرین برنامه توسعه در ج.ا.ا است که در حال حاضر در حال اجراست و دوره زمانی آن تا سال ۱۴۰۰ را در بر می‌گیرد. با بررسی محتوای برنامه ششم توسعه مشخص شد که از مجموع ۱۲۴ ماده تشکیل دهنده این برنامه، ۵۴ ماده آن، با توجه به شاخص‌سازی‌هایی که انجام شد، مرتبط با توسعه سیاسی تشخیص داده شد. اگر بخواهیم این مقدار را به درصد فراوانی بیان کنیم، همان‌طور که نمودار چهار نشان می‌دهد، عدد ۴۳ درصد را نشان می‌دهد. شماره مواد مرتبط با توسعه سیاسی و نوع ارتباط آن‌ها با شاخص‌های توسعه سیاسی در جدول ذیل آمده است.

جدول ۳: مواد مرتبط با توسعه سیاسی در برنامه ششم توسعه

ماده‌های مرتبط	شاخص‌ها	مولفه‌ها	ابعاد	مفهوم
8-9-10-14-17-18- 22-28-29-39-115- 116- 117- 118- 5-67		بهره‌وری و عدم وجود فساد اداری و سیاسی	دولت	توسعه سیاسی
	دوره‌های آموزشی ضمن خدمت	تخصیصی کردن حکومت		
	به کارگیری افراد بر اساس تخصص			
7-26-27-80-	آمایش سرزمینی	تمرکززدایی در اداره کشور		
-۴۳-۳۶-۲۵-۲۴-۲۱-۴	خصوصی‌سازی			
-۶۸-۵۲-۵۱-۵۰-۴۸-۴۴ - ۱۰۰-۹۲-۷۵-۷۴-۷۲				
	شوراها و دستگاه‌های محلی			
	مشارکت تشکلی‌های صنعتی تخصصی			
	سایر موارد			
-۳۰		حاکمیت قانون و ضابطه در نظام اداری کشور		

6-122-		منابع درآمدی دولت	
		نفوذ نظام سیاسی	
		یکپارچگی ساختارها و روندها	
-۱۰۵		وجود احزاب سازمان یافته و قوی	جامعه مدنی
		وجود سازمان‌های غیردولتی	
	قانون حقوق شهروندی	وجود قوانین و ساختارهای تعریف شده	
	قانون مربوط به رسانه‌ها	برای مشارکت نهادهای جامعه مدنی در سیاست	
		آگاهی سیاسی	مردم و جامعه
81-78-79-3-83-59-	شکاف طبقاتی	عدم وجود شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه	
-112-2-	شکاف محلی و منطقه‌ای	همبستگی ملی و احساس تعلق ملی	
-۶۳-۷۷-۸۶-۹۵-۹۷-			

در نمودار ذیل درصد فراوانی مواد مرتبط و همچنین مواد غیرمرتبط با توسعه سیاسی در برنامه سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه نشان می‌دهد:



نمودار ۱: درصد فراوانی مواد مرتبط با توسعه سیاسی در برنامه‌های سوم تا ششم

ابعاد توسعه سیاسی در برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه

همان‌طور که در قسمت شاخص‌سازی آمد، توسعه سیاسی را در سه بعد دولت، جامعه مدنی و مردم و جامعه تقسیم‌بندی و برای هر کدام، مولفه‌ها و شاخص‌هایی تعریف شد. در اینجا می‌خواهیم ببینیم که در هر یک از برنامه‌های توسعه این ابعاد چگونه و تا چه اندازه‌ای مورد توجه بوده‌اند؟

برنامه سوم از ۱۹۹ ماده تشکیل شده است که در مجموع ۶۲ ماده آن مرتبط با موضوع تحقیق است. از مجموع این ۶۲ ماده مرتبط، ۵۲ ماده آن در بعد "دولت"، شش ماده آن در بعد "جامعه و مردم" و در نهایت چهار ماده آن در بعد "جامعه مدنی" جای می‌گیرد.

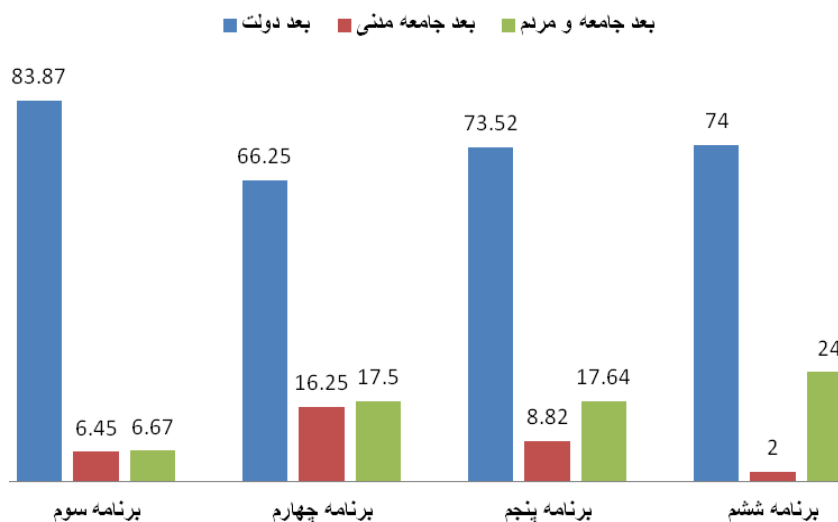
در برنامه چهارم نیز اولویت ابعاد توسعه سیاسی مثل برنامه سوم است. بدین ترتیب که از مجموع ۸۰ ماده مرتبط با توسعه سیاسی، به ترتیب اولویت، ۵۳ ماده در بعد "دولت"، ۱۴ ماده در بعد "جامعه و مردم" و در نهایت ۱۳ ماده در بعد "جامعه مدنی" جای می‌گیرد.

در برنامه پنجم توسعه نیز اولویت برنامه‌های توسعه سوم و چهارم در ابعاد توسعه سیاسی تکرار می‌شود و بدین ترتیب تغییری در اولویت‌ها اتفاق نمی‌افتد. منتها در شدت آنها تغییر رخ می‌دهد. بدین ترتیب از مجموع ۶۸ ماده مرتبط با توسعه سیاسی، ۵۰ ماده آن در بعد "دولت"، ۱۲ ماده آن در بعد "جامعه و مردم" و ۶ ماده آن در بعد "جامعه مدنی" جای می‌گیرد.

در نهایت در برنامه ششم توسعه، همانند برنامه‌های قبلی اولویت‌ها تکرار می‌شود. به این ترتیب که همانند سابق بعد "دولت" با اختصاص بیشترین فراوانی به خود به مقدار ۷۴ درصد در صدر قرار می‌گیرد و بعد از آن ابعاد "جامعه و مردم" با ۲۴ درصد و "جامعه مدنی" با ۲ درصد قرار می‌گیرد. جدول و نمودار ذیل فراوانی و درصد فراوانی هر یک از ابعاد توسعه سیاسی در برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه نشان می‌دهند.

جدول ۶: فراوانی و درصد فراوانی ابعاد مختلف توسعه سیاسی در برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه

مجموع مواد مرتبط	جامعه و مردم		جامعه مدنی		دولت		ابعاد برنامه‌ها
	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	
برنامه سوم	۶۲	۶	۴	۶	۵۲	۸۳.۸۷٪	
برنامه چهارم	۸۰	۱۴	۱۳	۱۶.۲۵٪	۵۳	۶۶.۲۵٪	
برنامه پنجم	۶۸	۱۲	۶	۸.۸۲٪	۵۰	۷۳.۵۲٪	
برنامه ششم	۵۴	۱۳	۱	۲٪	۴۰	۷۴٪	



نمودار ۲: درصد فراوانی ابعاد مختلف توسعه سیاسی در برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه

تفاوت‌ها و شباهت‌های بین برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه از لحاظ پرداختن به توسعه سیاسی

اولین نکته تشابه برنامه‌های توسعه با هم، پرداختن همه آن‌ها به مبحث توسعه سیاسی است. بر همین اساس توسعه سیاسی یکی از مسائل مطرح شده در همه برنامه‌های چهارگانه توسعه مورد بررسی است، هرچند که برنامه‌های توسعه در میزان پرداختن به آن از هم متمایز می‌شوند. دومین تشابهی که در برنامه‌های توسعه از نظر موضوع تحقیق وجود دارد، این است که در همه

برنامه‌های توسعه بعد جامعه مدنی توسعه سیاسی همیشه در اولویت آخر و بعد از ابعاد دولت و جامعه و مردم قرار گرفته است. به عبارت دیگر در توسعه سیاسی، بیشتر تأکید بر بعد دولت و پس از آن جامعه و مردم و در نهایت جامعه مدنی بوده است.

نکته دیگری که در تشابه برنامه‌های توسعه می‌توان به آن اشاره کرد، حرکت رو به جلو، در توجه به بعد "جامعه مدنی" در توسعه سیاسی است. برنامه سوم موادی از بعد "جامعه مدنی" را در خود گنجانده. این روند در برنامه چهارم توسعه پیشرفت کرد، به نحوی که بعد "جامعه مدنی" تقریباً به موقعیت هم‌تراز با بعد "جامعه و مردم" رسید. اگر بخواهیم این مقدار را با درصد فراوانی نشان دهیم، بعد دولت؛ ۶۶،۲۵ درصد، بعد جامعه مدنی؛ ۱۶،۲۵ درصد و در نهایت بعد جامعه و مردم؛ ۱۷،۵ درصد را در برنامه چهارم به خود اختصاص می‌دهد.

اما این وضعیت در برنامه پنجم و ششم دوباره به حالت قبل برمی‌گردد و مجدداً بعد جامعه مدنی با فاصله زیاد از ابعاد دیگر در اولویت آخر قرار می‌گیرد. در برنامه پنجم به ترتیب درصد فراوانی مواد ابعاد «دولت»، «جامعه و مردم» و «جامعه مدنی» به ترتیب، ۷۳،۵۲ درصد، ۱۷،۶۴ درصد و ۸ است و این در برنامه ششم به ترتیب درصد فراوانی مواد ابعاد «دولت»، «جامعه و مردم» و «جامعه مدنی»، ۷۴ درصد، ۲۴ درصد و ۲ درصد است.

اکنون با توجه به آمار به دست آمده در خصوص چهار برنامه توسعه می‌توان به نکاتی چند اشاره کرد. همان‌طور که آمار مربوطه نشان می‌دهد، در هر چهار برنامه توسعه شاهد اختلاف زیادی بین توجه به «بعد دولت» و سایر ابعاد توسعه سیاسی یعنی «مردم و جامعه» (شهروندان) و «جامعه مدنی» هستیم. این اختلاف آن‌چنان زیاد است که در نگاه اول توجه خواننده را به خود جلب می‌کند. با توجه به این اختلاف قابل توجه در میزان پرداختن به ابعاد توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه می‌توان گفت که نگاه برنامه‌ریزان ج.ا.ا. به توسعه سیاسی، نگاهی از بالا به پایین است. این دیدگاه برگرفته از این اختلاف نظر است که آیا باید ابتدا دولت را متناسب با توسعه سیاسی آماده و اصلاح کرد؟ یا این که ما باید بر روی مولفه‌های مربوط به جامعه مدنی و شهروندان (مردم و جامعه) تمرکز کنیم و آن‌ها را آماده توسعه سیاسی کنیم؟ آمار و ارقام به دست آمده به خوبی نشان می‌دهد که در بین این دو دیدگاه، دیدگاه مربوط به شروع توسعه سیاسی از بالا به پایین و توجه به دولت در توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه به خوبی غالب شده است.

بر اساس دیدگاه از بالا به پایین، در فرایند توسعه سیاسی باید ابتدا به مولفه‌های دولت توجه کرد و به اصلاح آن با توجه به شاخص‌های توسعه سیاسی پرداخت. بر همین اساس در برنامه‌های توسعه تلاش شده است با اقداماتی از قبیل افزایش بهره‌وری و مقابله با فساد سیاسی و اداری، تمرکززدایی در اداره کشور از طریق خصوصی‌سازی و همچنین واگذاری اختیارات بیشتر به استان‌ها در اداره امور مربوط به خود، حاکمیت قانون و ضابطه در نظام اداری کشور، تلاش برای رهایی از وابستگی به درآمد نفت، تخصصی کردن حکومت با به کارگیری افراد بر اساس تخصص و برگزاری دوره‌های ضمن خدمت، تلاش برای بسط نفوذ نظام سیاسی به تمام نقاط کشور و... در جهت اصلاح دولت و آماده‌سازی آن برای توسعه دست یابند.

نکته مهم دیگری که با توجه به آمار به دست آمده می‌توان به آن اشاره کرد، به دیدگاه درخصوص تقدم و تأخر نقش بعد مردم و جامعه (شهروندان) و بعد جامعه مدنی در توسعه سیاسی برمی‌گردد. به عبارت دیگر در توسعه سیاسی باید به کدام یک از این ابعاد توجه بیشتری شود؟ آیا باید به رشد آگاهی سیاسی یا ایجاد همبستگی در بین مردم و تلاش در جهت کم‌رنگ کردن شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه و... توجه کرد یا این که باید ابتدا به تشکیل احزاب سازمان یافته و قوی و سازمان‌های غیردولتی و همچنین تدوین قوانین و ساختارهای تعریف شده برای مشارکت آن‌ها در سیاست، به منظور دستیابی به توسعه سیاسی اقدام کرد؟ با توجه به آمار به دست آمده در بررسی برنامه‌های توسعه می‌توان گفت که در نظر برنامه‌ریزان ج.ا.ا ابتدا باید به مولفه‌های مربوط به بعد جامعه و مردم (شهروندان) در جهت توسعه سیاسی توجه کرد. منتها در این دیدگاه بین برنامه‌های سوم و چهارم با برنامه‌های پنجم و ششم تفاوتی وجود دارد که در ادامه بیان می‌شود. دیدگاه برنامه سوم طبق داده‌های به دست آمده این بود که هم‌زمان با تقویت مولفه‌های مربوط به بعد مردم و جامعه (شهروندان)، باید مولفه‌های مربوط به جامعه مدنی از قبیل نهادهای مدنی و احزاب و قانون‌گذاری درخصوص آن‌ها نیز تقویت شوند. طبق داده‌های به دست آمده، در این دیدگاه هرچند که باز هم با اختلاف نه چندان زیاد، ابتدا به ساکن بر مولفه‌های بعد مردم و جامعه توجه دارد (در برنامه سوم با ۶,۶۷ درصد)، اما در عین حال توجه به مولفه‌های مربوط به جامعه مدنی نیز تقریباً نزدیک به بعد مردم و جامعه (شهروندان) است (۶,۴۵ درصد). این دیدگاه بیانگر این است که برای دستیابی به توسعه سیاسی باید مردم و جامعه (شهروندان) و جامعه مدنی هم‌زمان مورد توجه و رشد قرار گیرند.

در برنامه چهارم توسعه نیز علاوه بر این که این دیدگاه ادامه پیدا می‌کند، از میزان توجه نسبت به اهمیت بعد دولت در توسعه سیاسی کاسته می‌شود و در مقابل به ابعاد دولت و مردم (شهروندان) و جامعه مدنی افزوده می‌شود. این خود بیانگر این است که از میزان نگاه به توسعه سیاسی از بالا به پایین که می‌خواهند از دولت شروع کنند و ابتدا دولت را برای توسعه سیاسی مهیا کنند، کاسته شده است. هرچند که این دیدگاه کماکان دیدگاه مسلطی است که وجود دارد.

اما در برنامه پنجم آمار به دست آمده نشان می‌دهد که شاهد بازگشت به دیدگاه قبلی مبنی بر توجه بیشتر به بعد دولت و اهمیت این بعد در توسعه سیاسی هستیم. به نحوی که از میزان توجه به بعد جامعه مدنی در این برنامه نسبت به برنامه قبل کاسته می‌شود و بر میزان توجه به بعد دولت افزوده می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که این دیدگاه در برنامه ششم نیز به قوت خود باقی می‌ماند. منتها در این برنامه تقریباً دیگر بعد جامعه مدنی در توسعه به نفع توجه بیشتر به بعد جامعه و مردم (با ۲۴ درصد) به فراموشی سپرده می‌شود و تنها به مقدار ناچیزی (۲ درصد) در برنامه ششم از سهم آن در توسعه سیاسی یاد می‌شود.

بنابراین، با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، طبق برنامه‌های توسعه ج.ا.ا توسعه سیاسی باید از نهاد دولت شروع شود. در مرحله بعد باید جامعه و مردم را آماده ورود به توسعه سیاسی کرد. منتها در برنامه سوم و چهارم دیدگاه بر این است که ضمن توجه به نقش مردم و جامعه (شهروندان) در توسعه سیاسی باید هم‌زمان بسترهای لازم برای وجود نهادهای مدنی را نیز فراهم کرد. در برنامه چهارم شاهد اوج توجه به جامعه مدنی در این راستا هستیم. در مقابل در برنامه پنجم و ششم دیدگاه بر این است که ابتدا باید مولفه‌های مربوط مردم و جامعه (شهروندان) جهت ورود به توسعه سیاسی آماده شوند و سپس در مرحله بعد و با تأخیر، مولفه‌های مربوط به بعد جامعه مدنی فراهم شوند. در این برنامه‌ها اوج توجه به بعد مردم و جامعه (شهروندان) در توسعه سیاسی است.

نتیجه‌گیری

موضوع این مقاله بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه ج.ا.ا است. پژوهش با بیان مساله و اثبات آن آغاز شد و سپس برای حل مساله، نظریه‌های موجود در حوزه توسعه

سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. از رهگذر بررسی نظریه‌های موجود در حوزه توسعه سیاسی این مفهوم به صورت کامل شاخص‌سازی شد و با توجه به این شاخص‌ها برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه ج.ا.ا. مورد مطالعه قرار گرفتند. در این مطالعه از روش تحلیل محتوا استفاده شده است و بندهای برنامه‌های توسعه به عنوان واحدهای زمینه انتخاب شده‌اند. در این بررسی برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه که ساختاری شبیه به هم دارند با هم مقایسه و مطالعه شده‌اند.

یافته‌های مقاله حاکی از آن است که توسعه سیاسی در چهار برنامه توسعه ج.ا.ا. مورد توجه بوده است. ولی میزان این توجه در هر یک از برنامه‌های چهارگانه متفاوت است که در ادامه بیان می‌شود. این میزان توجه در برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم نیز به ترتیب شامل ۳۱٪، ۵۰٪، ۲۹٪ و ۴۳٪ است. همانطور که در آمار ارائه شده مشاهده می‌شود میزان توجه به توسعه سیاسی در برنامه‌های سوم و چهارم حرکتی افزایشی داشته، ولی این توجه در برنامه‌های پنجم و ششم نسبت به قبل روند کاهشی پیدا می‌کند.

برنامه‌های توسعه از لحاظ توجه به ابعاد مختلف توسعه سیاسی (دولت؛ جامعه و مردم و جامعه مدنی) نیز مورد مطالعه قرار گرفتند. آمار استخراج شده نشان می‌دهد که اولویت توجه به ابعاد مختلف توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه به صورت: ۱. دولت؛ ۲. جامعه و مردم و ۳. جامعه مدنی بوده است. این سلسله مراتب توجه در هر چهار برنامه سوم، چهارم، پنجم و ششم ادامه پیدا می‌کند. با توجه به این اولویت‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. ماهیتی دولت محور و از بالا به پایین دارد.

منابع

الف - فارسی

- رحیمی، حسین، (۱۳۷۸)، «نقش احزاب در توسعه سیاسی و امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، تابستان، شماره ۴.
- عباسی، فرهاد، (۱۳۹۳)، «تبیین توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۵۷)»، فصلنامه مطالعات افکار عمومی، پاییز، شماره ۱۱.
- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۸۸)، سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران: نشر سمت.
- قوام، عبدالعلی، (۱۳۷۱)، توسعه سیاسی و تحول اداری، تهران: نشر قومس.
- مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه ج.ا.ا، (۱۳۸۹)، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، تهران.
- نصحیحان، محمدمهدی، (۱۳۸۷)، «نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه سیاسی»، راهبرد یاس، شماره ۱۳.
- بدیع، برتران، (۱۳۸۷)، توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران: نشر قومس.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۱)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران: دوره جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه نگاه معاصر.
- پناهی، محمدحسین، (۱۳۹۳)، «توسعه فرهنگی؛ ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی»، سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اردیبهشت و خرداد.
- ترنر، مارک و دیوید هیوم، (۱۳۷۹)، حکومت‌داری، مدیریت توسعه، چگونه دولت کارآمد داشته باشیم، ترجمه عباس منوریان، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- دبیری مهر، امیر، (۱۳۹۳)، «گونه‌شناسی مطالعات توسعه سیاسی از نظریه‌های جامعه محور تا نظریه‌های دولت‌گرا»، راهبرد، بهار، شماره ۷۰.
- زیباکلام، صادق و مرتضی مقتدایی، (۱۳۹۳)، «احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات»، فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی، زمستان، شماره ۲۹.
- برنامه سوم توسعه، (۱۳۸۱)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.
- ساعی، احمد، (۱۳۸۸)، مسائل سیاسی و اقتصادی جهان سوم، تهران: سمت.
- سریع القلم، محمود، (۱۳۷۱)، عقل و توسعه یافتگی، تهران: نشر فرزانه روز.
- سن، آمارتیا، (۱۳۸۱)، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه احمد موثقی، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- سیف زاده، حسین، (۱۳۸۶)، نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران: قومس.

- سینایی، وحید، زمانی، سمیه، (۱۳۹۱)، «مجلس شورای اسلامی و سیاست‌گذاری در ایران (۱۳۸۷-۱۳۵۹)»، *دوفصل‌نامه پژوهش سیاست نظری*، دوره جدید، بهار و تابستان، شماره ۱۱.
- سینایی، وحید، محقر، احمد، زمانی، سمیه، (۱۳۹۰)، «بررسی نقش سومین دوره مجلس شورای اسلامی در سیاست‌گذاری؛ مطالعه موردی برنامه اول و گذار به دوره سازندگی»، (۱۳۶۷-۱۳۷۱)، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، تابستان، شماره ۳.
- عبداللهی، محمد و فیروز راد، (۱۳۸۸)، «بررسی روند تحول و موانع ساختاری توسعه سیاسی در ایران (۱۳۰۴-۱۳۸۲)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم، بهار، شماره ۱.
- عالم، عبدالرحمان، (۱۳۸۶)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی.
- فلاح زاده، سید حسین، (۱۳۹۱)، *رضاخان و توسعه ایران*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میرباقری، حسین و ابراهیم مرادیان، (۱۳۸۳)، *قانون برنامه چهارم*، تهران: کیومرث.
- هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۷۰)، *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- باقری ده آبادی، علیرضا، (۱۳۹۲)، «بررسی چالش‌ها و چشم‌انداز توسعه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته عضو جنبش عدم تعهد»، *فصل‌نامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره نخست، ویژه‌نامه عدم تعهد، تابستان.

ب- انگلیسی

- Binder, L., & La Palombara, J, (2015), *Crises and Sequences in Political Development (SPD-7)*. Princeton University Press.
- Gabriel A, Almond and G. Bingham, (1966), *Powell and Comparative Politics: A Developmental Approach* Boston: Little Brown and co.
- Gill, Graeme, (2000), *The Dynamic of Democratization Elites, Civil Society and Transition Process*, Memillan
- Huntington, S, (1988), *Political Order in Changing Societies*, Yale University Press, New Haven, U.S.A.
- Huntington, S, (1998), *The Change to Change in A Cantori and A Ziegler*, Comparative Politics in the Post Behavioural Era, London.
- Pye, L. W, (2015), *Communications and Political Development*, (SPD-1).